

بررسی رابطه میان شیوه زندگی و معماری خانه با نگاهی بر تاثیر مدرنیته (مطالعه موردی: خانه‌های پلکانی در جغرافیای امیرآباد پاه)

بهرام کرمی

گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

وحید قبادیان^۱

گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ناهید صادقی‌پی

گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳

چکیده

شکل‌گیری معماری خانه‌ها متأثر از عوامل متعددی است که تمامی آنها از نظر میزان اهمیت و تاثیرگذاری در یک سطح قرار نمی‌گیرند. به نظر یکی از مهمترین آنها، شیوه زندگی است که با داشتن مقوله‌هایی همچون "فرهنگ"، "اجتماع" و "اقتصاد"، ویژگی‌های کالبدی خانه‌ها را دچار تغییر می‌نماید. با این فرض، در مقاله حاضر سعی شده تا با تعیین جایگاه شیوه زندگی معاصر و اهمیت مقوله‌های آن، ویژگی‌های کالبدی در معماری خانه‌های پلکانی پاه بررسی شود. در این پژوهش، روش تحقیق از نوع تحلیلی - توصیفی است که برای بررسی همبستگی میان عامل‌ها، از روش "تحلیل عاملی" استفاده شد. برای پیمایش مدل نظری بدست آمده از مبانی نظری ابتدا "پرسشنامه‌ای بسته" با مقیاس لیکرت پنج‌تایی طراحی و سپس برای تحلیل داده‌های آن از نرم افزار "اسمارت پی ال اس" استفاده شد. البته برای اینکه بتوان نتایج حاصل از نمونه‌های بررسی شده را به کل جامعه آماری تعمیم داد، نمونه‌ها به صورت "تصادفی ساده" انتخاب شدند. سرانجام با استفاده از روش "رولوه" و "عکسبرداری"، الگوها و برخی از مهمترین تغییرات آنها بدست آمد. بر خلاف انتظار، نتایج حاصل از پرسشنامه نشان داد زیرمجموعه‌های "بوروکراتیک شدن" و "تجاری شدن" نسبت به سایر زیرمجموعه‌ها برای ساکنان از اهمیت کمتری برخوردار است و آنچه مهم می‌باشد "رسانه‌ای شدن" زندگی امروز است. در "رولوه" نیز، تحولاتی از قبیل؛ "تقلیل اهمیت حریم خصوصی"؛ "انتقال محل تفریح و جشن‌ها به بیرون از خانه"؛ "انتقال محل نگهداری دام به بیرون از خانه و شهر" و ... دیده می‌شود.

کلمات کلیدی: شیوه زندگی، کالبد، خانه‌های پلکانی، مدرنیته، پاه.

مقدمه

خانه، مبدا و مقصد زندگی روزمره انسان است که برای کار و فعالیت اجتماعی از آن خارج می‌شوند و پس از انجام کار و کسب تجربه به آن باز می‌گردد. خانه برای انسان از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان آن را مرکز دنیای فرد نامید (Nurberg Schultz, 2002: 54). از گذشته‌های بسیار دور "خانه" برای ساکنان چیزی بیش از سرپناه بوده و جنبه‌های شیوه‌زندگی در همه مراحل ساخت "خانه" تا استقرار در آن و استفاده از آن به طور کامل پیدا بوده است. اما در عصر کنونی عدم سازگاری خانه‌های گذشته با خواسته‌ها و نیازهای واقعی ساکنان که از شیوه‌زندگی معاصر آنان نشأت می‌گیرد، از مشکلاتی است که خانه‌های گذشته امروزه از آن رنج می‌برند.

با توجه به مقدمه بالا، این پژوهش جهت تبیین بهتر مسئله، بازتاب تحولات شیوه‌زندگی را با نگاهی ژرف در معماری خانه‌های پلکانی پایه مورد بررسی قرار داده و بازتاب آن را در معماری این خانه‌ها با توجه به سوالات ذیل مورد بررسی می‌دهد:

۱. بر اساس شیوه‌زندگی تغییرات کالبدی در خانه‌های پلکانی پایه از گذشته تا به امروز چگونه بوده است؟
 ۲. از دید ساکنان کدام یک از مولفه‌های مدرنیته نقش مهمتری در تغییر شیوه‌زندگی دارند؟
- در این پژوهش، روش تحقیق از نوع تحلیلی - توصیفی است که برای بررسی همبستگی میان عامل‌ها، از روش "تحلیل عاملی" استفاده شد. برای پیمایش مدل نظری بدست آمده از مبانی نظری ابتدا "پرسشنامه‌ای بسته" با مقیاس لیکرت پنج‌تایی طراحی و سپس برای تحلیل داده‌های آن از نرم افزار "اسمارت پی ال اس" استفاده شد. البته برای اینکه بتوان نتایج حاصل از نمونه‌های بررسی شده را به کل جامعه آماری تعمیم داد، نمونه‌ها به صورت "تصادفی ساده" انتخاب شدند. سرانجام با استفاده از روش "رولوه" و "عکسبرداری" نیز الگوها و برخی از مهمترین تغییرات آن‌ها بدست آمد.

پیرامون پیشینه این پژوهش باید گفت در این زمینه تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته و تنها توسط محققان پژوهش‌های مشابهی صورت گرفته که یافته‌های آنها به عنوان پیش زمینه در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت. در میان کتاب‌ها، ورتلینگ^۱ در کتاب "طراحی مسکن بر پایه سبک‌زندگی"، به بررسی خانه‌ها پرداخته و به این نتیجه رسیده که در طول سال‌های پس از دهه نود میلادی، ملاحظیات روش‌زندگی، تغییرات جمعیتی و الگوهای سکونت، پیش فرض‌های ما را از خانه تغییر داده و خواهند داد. لذا تلاش می‌کند تا مسیری را که در پیش گرفته‌ایم، نشان دهد (Wentling, 2015). یزدانفر و همکاران در کتاب "الگوی مسکن ارومیه با توجه به شیوه‌زندگی در گذر زمان"، به مطالعه معماری خانه‌های بومی ارومیه از دوره قاجار تا دوران معاصر با توجه شیوه پاسخگویی آن‌ها پرداخته‌اند و سپس با مقایسه الگوهای کالبدی و شیوه‌زندگی، تغییرات الگوی خانه‌ها را در شهرستان ارومیه در بستر زمان مورد ارزیابی قرار داده‌اند (Yazdanfar, Zarabi Al-Husseini and Nasser Doost, 2016).

در میان پایان‌نامه‌های دکتری، مداحی در پایان‌نامه خود تحت عنوان "خوانش و فهم پیوند کالبد خانه و شیوه زندگی در معماری بومی"، با بررسی شیوه زندگی ساکنان بشرویه به این نتیجه رسیده که رفتارهای گوناگون در شکل دهی به فضای پیرامون تاثیر داشته و هر فضا در خانه با عناصر ثابت و نیمه ثابت خود، محصول نظام رفتاری فرد و خانواده است. اما این پیکره‌بندی و سازمان فضایی خانه تنها تا اوایل پهلوی تداوم داشته و از این دوره به بعد دچار تغییرات شگرفی شده است (Madahi, 2005). در پایان‌نامه عبد مجیری تحت عنوان "الگویابی معماری خانه در بستر تحولات فرهنگ"، برخی مشکلات حال حاضر خانه‌های روستایی که عمدتاً در عدم تطابق با شرایط فرهنگی جامعه تفسیر می‌شوند، بر پایه مقوله الگوها مورد بررسی قرار داده و نتایج حاکی از آن است که الگوهای معماری روابط مستحکمی با دو حوزه روش زندگی و نظام مفاهیم دارد (Abdemojiri, 2015). آقا لطیفی نیز در پایان‌نامه دکتری خود تحت عنوان "انسان و خانه"، به دنبال درک تغییرات رخ داده بر تعامل انسان و خانه در دوران معاصر ایران است و نتایج نشان دهنده آن است که در دوره معاصر بر خلاف روزگار سنتی، الگوهای تعاملی متفاوتی بین انسان و خانه ایجاد شده، بدین ترتیب که تفاوت‌ها در نحوه تعامل انسان‌ها و خانه‌هایشان بیشتر متوجه تغییرات انسان معاصر است تا تغییرات کالبدی (Aghalatifi, 2012).

در میان مقاله‌ها، کوان^۱ و کیم^۲، در مقاله "ویژگی‌های فضاهای مسکونی در پاسخ به تغییر روش زندگی" ویژگی‌های فضاهای مسکونی را با تمرکز بر "شخصیت ساکنان" و "ارتباط بین فرد و خانواده" مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که تعامل بین "فضاهای مسکونی"، "نیازهای روزمره زندگی" و "روش زندگی" یکی از الزامات اساسی خانه‌های پایدار است (Kwon & Kim, 2019). یزدانفر و ناصر دوست در مقاله "تغییرات شیوه زندگی و الگوی کالبدی خانه و تاثیرات متقابل آن‌ها از دوران زندگی تا امروز"، تغییرات سازماندهی فضایی و شیوه زندگی را در مسکن مراغه از زندگی تا به امروز مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که در هر منطقه، شیوه زندگی ساکنین آن منطقه مولفه‌های تاثیرگذار در طراحی خانه‌ها هستند (Yazdanfar and Naserdoost, 2019). افشاری و پوردیهیمی، در مقاله "مقیاس‌های روش زندگی در مسکن" به تحلیل مقیاس‌های روش زندگی در محیط‌های انسان ساخت بومی پرداخته‌اند و نتایج نشان می‌دهد که مقیاس‌های روش زندگی با تکیه بر معانی ذهنی انسانی، اساس شکل‌گیری قرارگاه‌های رفتاری و متعاقباً انتظام فضایی محیط مسکونی است (Afshari and Purdihimi, 2016). فاضلی، در مقاله "مدرنیته و مسکن"، به تحلیل فرهنگی خانه روستایی از گذشته تا کنون می‌پردازد و خانه را به مثابه یکی از مولفه‌های اصلی روش زندگی جهت فهم کلیت زندگی روستایی مطالعه می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که ویژگی‌های خانه روستایی دگرگون شده و از این رو دیگر نمی‌توان با رویکردهای کلاسیک که روستا را مقرر سنت و شهر را مقرر مدرنیته می‌دانستند به مطالعه آن پرداخت. به باور نگارنده نوعی «مدرنیته روستایی ایرانی» در روستاهای ایران شکل گرفته است (Fazeli, 2007). ولی در میان پژوهش‌های انجام شده، معماری خانه‌های پلکانی پاوه از زاویه شیوه زندگی و به صورت ویژه "شیوه زندگی تحت تاثیر مدرنیته" مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است.

مبانی نظری

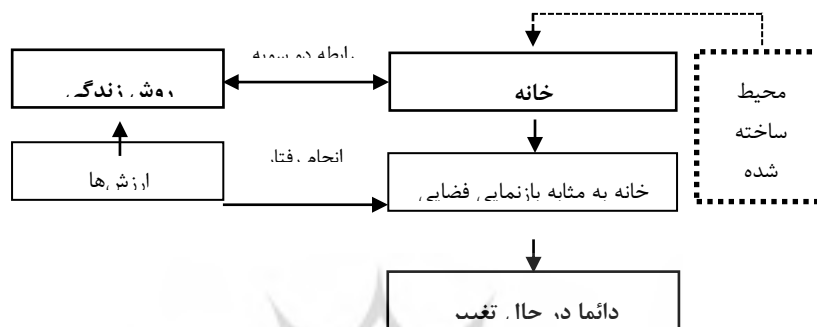
در ادامه به مطالعات نظری و شناخت مباحث اصلی پژوهش پرداخته شده است.

شیوه زندگی و خانه

روش زندگی^۱، عمری به اندازه قدمت فرهنگ‌ها و تمدن دارد (Zarhani, 2014: 8) و غالباً به روش زندگی اتخاذ شده به وسیله یک فرد، گروه، ملت یا کشورهای مشترک المنافع اطلاق می‌شود (Bandkiter, 2013: 201). از نظر راپوپورت^۲، شیوه‌ی زندگی عبارتست از روشی که مردم انتخاب می‌کنند که چگونه رفتار کنند یا چگونه به فعالیتی بپردازند (Rapaport, 1980: 10). از نظر گیدنز^۳، روش زندگی را می‌توان به مجموع‌های کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد؛ چون نه فقط نیازهای او را تامین می‌کنند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران متجسم می‌سازند (Giddens, 1995: 81). از نظر لوفور^۴، روش زندگی را می‌توان مجموعه‌ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد دانست که نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازد، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خویش برمی‌گزیند در برابر دیگران مجسم می‌کند (Lefebvre, 2002: 46). از نظر مک‌کی^۵، روش زندگی به روش‌هایی بر می‌گردد که طبقات و گروه‌های هم‌رتبه آن را انتخاب نموده و بدین سبب نوعی از زندگی پدید می‌آید که شامل مجموعه‌ای از باورها و الگوی فرهنگی و رفتاری است. بر این اساس هر یک از طبقات اجتماعی، سبک زندگی خود را پرورش می‌دهد و «جهانی متمایزی» را به نمایش می‌گذارد (McKee, 1969: 275). از نظر پارنل^۶ و همکارانش، روش زندگی یعنی فرد از چه محصولاتی و چگونه از آن‌ها استفاده می‌کند. به عبارتی روش زندگی بیان برداشت فرد از خود و ارزش‌های فردی-ای است که در انتخاب‌ها و رفتارهای مصرفی افراد بازتاب پیدا می‌کند (Parnell et al., 2006: 62). از دیدگاه تورشتاین ویبلن^۷، ثروت مهمترین عامل کسب منزلت است که باید نمود خارجی داشته باشد و بهترین نمود آن «مصرف تظاهری و نمایشی» است. برای نمونه، افراد با نوع پوشش، آرایش و زیور آلات، خود و طبقه خود را از سایرین متمایز می‌کنند (Gibbins, Reimer, 2002: 124). اما از میان، بودریار^۸، معتقد است، افراد در زندگی خویش بیش از آنکه آنکه با دیگر انسان‌ها سر و کار داشته باشند، با اشیاء در ارتباط هستند و شاهد محاصره انسان به وسیله اشیاء هستیم (Baudrillard, 2010: 13) در این راستا، پیروردیو^۹ نیز معتقد است شیوه زندگی نظام کرد و کارهای طبقه‌بندی شده و طبقه‌کننده یا نشانه‌های متمایز کننده است که در قالب ریختار متمایز کننده فضا بازنمایی می‌شود (Bourdieu,

1. Life Style
2. Rapoport
3. Giddens
4. Lefebvre
5. Mckee
6. Parnel
7. Thorstein Veblen
8. Baudrillard
9. Bourdieu

24:2012). در نهایت با توجه به نظرات بالا می‌توان بیان داشت که روش‌زندگی مفهومی است که در محیط‌های ساخته شده، بر اساس ارزش‌ها یعنی ایده آل‌ها، تصورات، طرح واره‌ها و ... شکل می‌گیرد و آنچه که در ماهیت روش‌زندگی و محیط‌های ساخته شده اهمیت پیدا می‌کند روش‌زندگی است. در این رویکرد فضا محور، خانه به مثابه بازنمایی فضایی جهت انجام رفتار، کرد و کار و کنش‌های متقابل افراد نسبت به یکدیگر بوده و به عنوان مکانی شناخته می‌شود که نسبت به شیوه‌زندگی، سازمان فضایی و عناصر آن دایما در حال تغییر و تحول است (تصویر ۱).



تصویر ۱: مدل مفهومی روش‌زندگی و خانه، Source: Authors, 2021

از میان متفکرینی که در رابطه با شیوه‌زندگی و سکونت کار کرده‌اند می‌توان به راپاپورت، شولتز^۱، لارنس^۲، ابرین^۳، ویبلن^۴ و زیمل^۵، سگالن^۶، بوردیو^۷، چاپین^۸، جانسن^۹ و بیودولف^{۱۰} اشاره کرد. از نظر راپاپورت، "روش‌زندگی" نقش موثری در مسکن و سازمان تقسیمات فضایی آن داشته است (Rapaport, 1969: 47). از نظر شولتز، خانه مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته است، اما برای مشارکت ناچار از ترک گفتن خانه و گزیدن هدفی هستیم. با این وصف، پس از انجام وظیفه اجتماعی خود به خانه عقب نشینی می‌کنیم تا هویت فردی خود را بازیابیم. از این رو هویت فردی در سکونت خصوصی مستتر است (Schulz, 2005: 141). لارنس، درباره شیوه‌زندگی روزمره و چگونگی استفاده از فضا بیان می‌کند که به منظور درک معانی نهفته در طراحی کاشانه‌ها، باید چگونگی انتظام رفتارها و فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی که از طریق قانون‌مندی و قواعد مرسوم پدید می‌آیند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند (Yazdanfar and Naserdoost, 2012: 39). ابرین، مولفه‌های شیوه‌زندگی را در قالب محل زندگی، مشارکت‌های محلی، نوع منزل (حیات، گاراژ و...) معنا کرده است. در حالی که، ویبلن و زیمل، مولفه‌های شیوه‌زندگی را در ارتباط با

1. Shulz
2. Lawrence
3. Segalen
4. Veblen
5. Simmel
6. Abrian
7. Bourdieu
8. Chapin
9. Johnson
10. Biddulph

نوع مسکن یعنی دکوراسیون، معماری و اثاثیه، نوع وسیله حمل و نقل معنا می‌کنند. سگالن مولفه‌های شیوه‌زندگی را شامل فضای داخلی خانه، تقسیم‌بندی فضاهای خصوصی، فضاهای عمومی، معاشرت و شبکه روابط خویشاوندی می‌داند. بوردیو نیز مولفه‌های شیوه‌زندگی را شامل "کالاهای تجملی یا فرهنگی"، مانند خانه، ویلا، ماشین، اثاثیه و "فعالیت‌های متمایزکننده" مانند لباس پوشیدن می‌داند (Olfat and Salemi, 2012: 24-25). از نظر چاپین، لوازمی که در اتاق نشیمن یافت می‌شود منعکس‌کننده دستاوردهای فرهنگی، دارایی‌های مادی و منزلت اقتصادی و اجتماعی خانواده است (Yazdanfar and Naserdoost, 1398: 39-40). متیو جانسن، در کتاب فرهنگ مسکن، به این موضوع می‌پردازد که ساختار و چیدمان معماری خانگی، تنها به ملاحظیات کارکردی و اقتصادی مرتبط نمی‌شود؛ بلکه علاوه بر آن به زندگی فرهنگی و ذهنی^۱ استفاده‌کنندگان نیز مرتبط می‌شود (Aghalatif, 1391: 161). به اعتقاد بیودولف نیز، اگر خانه با شیوه‌زندگی افراد منطبق نباشد مردم به ناچار بخشی از روش‌زندگی خود را تغییر می‌دهند یا به سختی آن را تامین می‌کنند (Biddulph, 1392: 15). در جدول ۱، رابطه روش‌زندگی با خانه به همراه مولفه‌های مفهومی آن از منظر صاحب‌نظران ارائه شده است.

جدول ۱: رابطه مولفه‌های روش‌زندگی و خانه از منظر صاحب‌نظران

ردیف	صاحب‌نظران	رابطه روش زندگی و خانه	مولفه‌های مفهومی
۱	راپاپورت	نقش موثر در مسکن و سازمان تقسیمات فضایی	فرهنگی پدیده‌ای مثابه به سکونت
۲	شولتز	خانه گفتن ترک از ناچار مشارکت اما برای روزمره زندگی وقوع برای مکانی خانه ساختن را فردی خود هویت تا کردن عقب نشینی خانه سپس به و	سکونت به مثابه پدیده‌ای فردی
۳	لارنس	مرسوم قواعد و طریق قانون‌مندی فعالیت‌ها از رفتارها و انتظام بررسی چگونگی	پدیده‌ای جهت استفاده مثابه به سکونت
۴	ابرین	منزل(حیاط، محلی و نوع مشارکت‌های زندگی، معنای شیوه‌زندگی در قالب محل گاراژ و...)	مثابه پدیده‌ای اجتماعی به سکونت
۵	زیمبل ویلن و	نقل و حمل وسیله نوع و اثاثیه، معماری مسکن یعنی دکوراسیون، نوع	سکونت به مثابه پدیده ای اقتصادی
۶	سگالن	فضاهای تقسیم‌بندی خانه، داخلی مولفه‌های شیوه‌زندگی شامل فضای خویشاوندی روابط شبکه و معاشرت عمومی، فضاهای	مثابه پدیده ای فردی و اجتماعی به سکونت
۷	بوردیو	ویلا، خانه، مانند فرهنگی"، یا تجملی مولفه‌های شیوه‌زندگی شامل "کالاهای پوشیدن لباس متمایزکننده" مانند های اثاثیه و "فعالیت ماشین،	تمایز اجتماعی جهت مثابه الگوی به سکونت
۸	چاپین	منزلت و مادی فرهنگی، دارایی‌های دستاوردهای کننده منعکس اتاق نشیمن لوازم خانواده اجتماعی و اقتصادی	سکونت به مثابه پدیده‌ای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی
۹	متیو جانسن	معماری خانگی به زندگی فرهنگی و ذهنی استفاده مرتبط بودن ساختار و چیدمان کنندگان	سکونت به مثابه پدیده‌ای فرهنگی
۱۰	بیودولف	از روش دادن بخشی افراد یعنی به ناچار تغییر شیوه‌زندگی با انطباق نداشتن خانه تامین نمودن آن سختی به یا زندگی	مثابه پدیده‌ای جهت انطباق به سکونت

مدرنیته و تحول خانه

در این قسمت اثرات مدرنیته بر تحول خانه در زمینه‌هایی همچون "امروزی شدن"، "عرفی شدن"، "رسانه‌ای شدن"، "شهری شدن"، "جهانی شدن خانه"، "فردی شدن"، "دموکراتیک شدن" و "تجاری شدن" بررسی می‌شود (جدول ۲).

۱- امروزی شدن

مراد از امروزی شدن، بریدن خانه از گذشته و تاریخ از یک سو و هماهنگ شدن با شرایط زمان حال از سوی دیگر است. «معماری مدرن» که ابتدا در دهه‌های نخست قرن بیست ظاهر شد و بعدها توسعه یافت، الگوی تازه‌ای از خانه متناسب با کارکردهای جدید آن به وجود آورد. مشخصه یکی از کارکردها «خانواده هسته‌ای» است که کوچکتر، محدودتر و ساده‌تر از «خانواده گسترده» بود، این ویژگی‌های معماری مدرن، دقیقاً وجوه عقلانی شده خانه است (Fazeli, 2007: 39-40).

۲- عرفی شدن

با گسترش مدرنیته روح متافیزیکی و قدسی که حاکم بر ابعاد مختلف فرهنگ بود، رفته رفته جای خود را به ارزش‌های عرفی و دنیوی داد. خانه و مسکن سنتی در جوامع پیشامدرن به صورت‌های مختلف حامل ارزش‌های دینی و باورهای اسطوره‌ای و متافیزیکی بود، اما در شرایط مدرن دیگر خانه از نمادها و نشانه‌های متافیزیکی خالی می‌شود و ساخت و ساز خانه تحت قواعد عقلانی که معماری و دانش مدرن تعیین و ایجاد می‌کند صورت می‌گیرد (Ibid:41).

۳- رسانه‌ای شدن

مهمترین تاثیر تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ای در زمینه خانه، تقلیل یکی از مهمترین کارکردهای خانه یعنی "حریم سازی خانه" است. در گذشته ما به کمک خانه و دیوارهایش از چشم دیگران و جامعه پوشیده و پنهان می‌مانیم. دیگران نمی‌توانند به درون خانه ما سرک بکشند مگر آنکه ما بخواهیم. خانه در و قفل دارد تا بتوان رفت و آمد به آن را کنترل کرد. خانه قلعه فرهنگی است که نه تنها اموال ما را از دسترس دیگران در امان نگه می‌دارد، بلکه مثل لباس، پوششی بر رفتارهای ماست. اما این تلقی از خانه، به وسیله رسانه‌ها و بیشتر تلویزیون در حال دگرگونی است (Ibid:45).

۴- بوروکراتیک شدن

در شرایط جامعه پیشامدرن، دولت‌ها نقشی در زمینه خانه‌سازی نداشتند و خانه بیش از هر چیز، مقوله و امری خصوصی تلقی می‌شد. امروزه، خانه بخشی از فضای شهر است و لاجرم باید متناسب با ساختارهای محلی، شهری و همچنین سیاست‌های کلان ملی ساخته شود. در این شرایط مردم تنها در زمینه درون خانه‌ها قادر به انتخاب سبک و سلیقه خاص خود هستند و نمای بیرون و ساختار خانه باید با ملاحظه قوانین شهری شکل گیرد (Ibid:47).

۵- شهری شدن

خانه به منزله جزء کوچکی از شهر و در ارتباط با شهر است و این شهر است که بیشتر تعیین کننده هویت خانه است نه صاحبان آن. امروزه بخش عمده‌ای از اوقات زندگی در شهر و مکان‌های گوناگون شهری سپری می‌شود. در نتیجه اوقات مختص به درون منزل بسیار کمتر شده است (Ibid:40-41).

۶- جهانی شدن

گسترش فرآیندهای جهانی، رفته رفته اهمیت مکان را هر روز می‌کاهد و به فضای مجازی ساخته شبکه‌های اینترنتی، تکنولوژی‌های دیجیتالی و ارتباطی اهمیت بیشتری می‌دهد. حتی اهمیت سرزمین، وطن و زادگاه نیز با چالش مواجه شده است. «شهروند جهانی» امروز درجایی به دنیا می‌آید، در جای دیگر تحصیل می‌کند و در سرزمین‌های مختلف به کار می‌پردازد. جهان سیال امروز می‌خواهد نوعی کوچ زیستی جهانی نوین را همگانی و ابداع کند. در این شرایط مفهوم خانه، خانه پدری، سرزمین آباء و اجدادی، وطن و خانه خصوصی دیگر آن حس و حال سنتی را تداعی نمی‌کند (Ibid:43).

۷- فردی شدن

رشد فردیت در عرصه‌های مختلف می‌تواند تاثیرگذار باشد. خانه، یکی از این عرصه‌ها است. تخصیص یافتن فضای خصوصی به هریک از افراد خانه (اتاق فرزندان، اتاق خواب والدین)، تنوع یافتن سبک‌های دکوراسیون و آرایش منزل، همگی بخشی از فرآیند فردی شدن خانه است (Ibid:43).

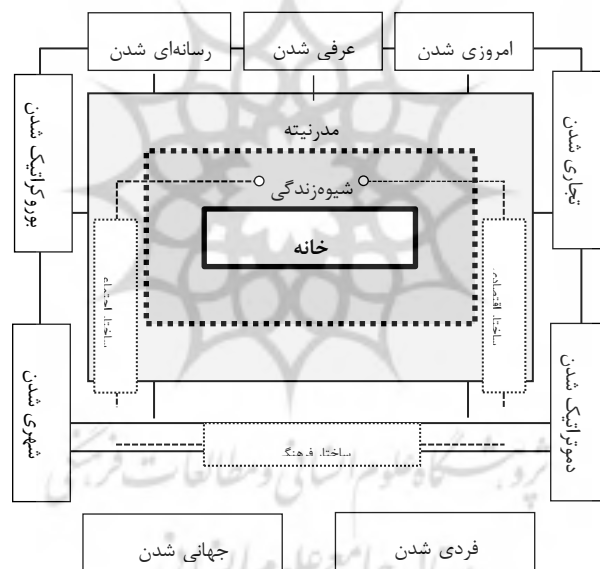
۸- دمکراتیک شدن

مفهوم «خانه پدری» بیش از هر چیز بیانگر خصلت «پدرسالارانه» خانه در تلقی سنتی آن است. خانه مانند دیگر مقولات اجتماعی مذکور بوده است، زیرا اساس خانه بر ایجاد آسایش و رفاه مرد و تحت مدیریت و اقتدار پدر استوار بود. خانه در مالکیت پدر بود و زن و فرزندان نیز مانند خانه، بخشی از دارایی‌های او به شمار می‌آمدند. از اینرو همسر مطلوب مرد سنتی «زن خانه‌دار» بود که بتواند کارهای خانه را به درستی انجام دهد. در مقابل منتقدان فمینیست و نوگرا در تلاش‌اند تا زن را از چهاردیواری خانه به محیط جامعه بکشانند و فرصت‌های بیشتری برای او در جامعه و بیرون از خانه فراهم کنند. از این دیدگاه می‌توان گفت کارکرد جنسیتی خانه، ایجاد حریم برای زنان است. با افزایش آگاهی‌های جنسیتی و رشد جنبش زنان و افزایش فرصت‌های شغلی و اجتماعی زنان و حضور بیشتر آنها در جامعه و بیرون از خانه، خانه دیگر کمتر کارکرد جنسیتی سنتی خود را ایفا می‌کند. این تغییر جنسیت، نه تنها می‌تواند در نحوه دکوراسیون، تزئینات و متعلقات خانه و همچنین مولفه‌های معماری آن تاثیر بگذارد، بلکه تعیین کننده نوع روابط درون خانه نیز می‌تواند باشد. برداشته شدن دیوارهای آشپزخانه، قابل رویت بودن اتاق‌ها، برداشته شدن اندرونی و بیرونی، تخصیص یافتن اتاق شخصی به دختران و پسران به یک نسبت، افزایش پنجره‌ها و گشودگی به فضاهای بیرون برخی از این تغییرات است که به نحو گسترده‌ای در اغلب جوامع مدرن مشاهده می‌شود (Ibid:44-45).

۹- تجاری شدن

خانه از دید اقتصادی نوعی «کالا» است. این کالا مانند دیگر کالاها تابع قوانین عرضه و تقاضا و سازوکارهای بازار است. غلبه ارزش‌های کمی و سلطه پول در جامعه مدرن، تمام ارکان فرهنگ مدرن را دگرگون کرده و می‌کند. خانه‌ها بیش از آنکه توسط ساکنان آن ساخته و طراحی شوند، توسط بنگاه‌های «بسازوبفروش» که بر اساس معیار «سود» و «ارزش مادی» فعالیت می‌کنند، ساخته و عرضه می‌شوند. در این شرایط «ذائقه زیبایی‌شناختی» و «ارزش‌های فرهنگی» ساکنان خانه‌ها تا جایی ملاحظه می‌شود که موجب جذب «مشتری» بیشتر برای بنگاه‌ها شوند؛ در هر حال، سازندگان و عرضه‌کنندگان خانه‌ها نیز گرچه ملاحظات فردی مصرف‌کنندگان و مشتریان را چندان در نظر نمی‌گیرند؛ اما در نهایت، آنها در چارچوب کلی فرهنگ معاصر و ارزش‌های آن فعالیت می‌کنند. حتی در سطح جزئی‌تر می‌توان نوعی تعامل فعال بین مشتریان و سازندگان خانه‌ها مشاهده کرد، به گونه‌ای که مشتریان با توجه به توانایی مالی خود می‌توانند تا حدودی در انتخاب فرم و معماری و به ویژه تزئینات بنا مشارکت کنند (Ibid:46-47).

در نهایت مدل پیشنهادی «خانه»، «شیوه زندگی» ناشی از «مدرنیته» در تصویر ۲ نشان داده شده است.



تصویر ۲: مدل پیشنهادی، خانه و شیوه زندگی، از مدرنیته، ماخذ: نگارندگان.

جدول ۲: مولفه‌های مدرنیته و تحول خانه؛ ماخذ: نگارندگان.

ردیف	مولفه‌های مدرنیته در ساختارها	مدرنیته تأثیرات آن فرآیندهای	تأثیر «کلی» مولفه‌های مدرنیته در خانه	تأثیر «جزئی» مولفه‌های مدرنیته در خانه
۱	مدرنیته در ساختار فرهنگی	شدن امروزی	بریدن خانه از گذشته و تاریخ	حال زمان شرایط با شدن هماهنگ
			خانه از تازه‌ای الگوی	جدید کارکردهای متناسب با خانه از تازه‌ای الگوی
			خانواده هسته‌ای	ساده‌تر از خانواده گسترده و محدودتر کوچکتر،
	شدن عرفی	قدسی خانه متافیزیکی و کاهش روح		و دنیوی عرفی افزایش ارزش‌های
	رسانه‌ای شدن	خانه زمینه در رسانه‌ای و ارتباطی تکنولوژی‌های تأثیر		تقلیل دادن حریم خصوصی

بوروکراتیک شدن	شهر از فضای بخشی خانه	همچنین سیاست- و شهری محلی، ساختارهای با متناسب ملی کلان های
۲	مدرنیته در ساختار اجتماعی	شهر از کوچکی جزء منزله به خانه
شهری شدن	شهر در زندگی اوقات از عمده‌ای انتقال بخش	آن صاحبان نه است خانه هویت کننده تعیین بیشتر شهر
شهری شدن جهانی	زادگاه و وطن سرزمین، چالش اهمیت	کمتر بسیار منزل درون مختص به اوقات
شهری شدن فردی	افراد خانه هریک از خصوصی به فضای تخصیص یافتن	شهروند جهانی
سبک‌ها تنوع یافتن	منزل آرایش و دکوراسیون	والدین خواب اتاق فرزندان، اتاق
دمکراتیک شدن	جنسیتی آگاهی‌های افزایش	سبک‌ها تنوع یافتن
۳	مدرنیته در ساختار اقتصادی	شهری شدن
شهری شدن تجاری	و سازوکارهای بازار تقاضا و عرضه قوانین تابع	دمکراتیک شدن
بنگاه‌های بسازوفروش	مادی ارزش معیار سود و اساس فعالیت بر	شهری شدن
مالی توانایی	به ویژه و معماری و فرم انتخاب مشارکت در حدودی تا بنا تزیینات	بنگاه‌های بسازوفروش

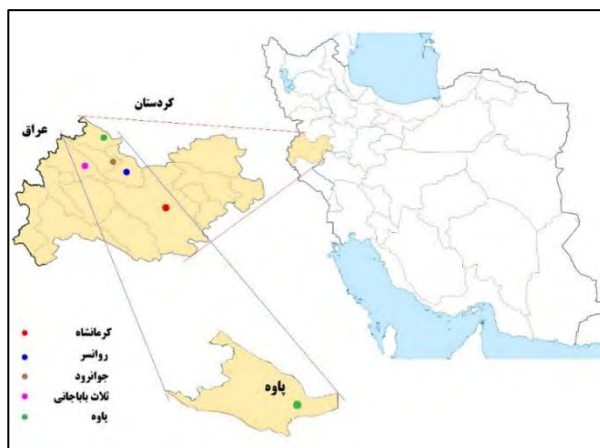
Source: Authors, 2021

معرفی جغرافیا و منطقه مورد مطالعه:

با توجه به اینکه محله امیرآباد در شهر پاوه واقع شده است، لذا برای معرفی جغرافیای آن، از جغرافیای شهر پاوه استفاده شده است. شهر پاوه در شمال غرب استان کرمانشاه و در یک موقعیت مرزی بین کشور ایران و عراق قرار گرفته است (Zhinab Gharb Consulting Engineers, 2010: 86). بیش از ۸۰ درصد منطقه، کوهستانی و دارای ناهمواری‌های فراوان است. شهر پاوه نیز از این ویژگی مستثنی نبوده و همین عامل باعث شده که شهر بر روی دامنه‌های بسیار شیب‌دار استقرار یابد (Ibid: 168).

از لحاظ توپوگرافی، تپه‌های متعددی در داخل شهر قرار دارد، که اکثراً توسعه کالبدی شهر را محدود کرده و باعث شده که سکونتگاه‌ها به صورت پلکانی و با صرف هزینه‌های مضاعفی احداث شوند (Maleki, Azizi, 2014: 45). مورفولوژی شهر به دلیل محدودیت فضا و زمین دارای بافتی متراکم، نامنظم و متمرکز است، به عبارتی ناهمواری و شیب مهمترین عامل تعیین کننده برای سمت و سوی توسعه شهر است (Khoshhal Dastjerdi, Ahmadi, Heidari, 2013: 29).

در تصویر ۳ حدود و موقعیت شهر پاوه نشان داده شده است.



تصویر ۳: حدود و موقعیت شهر پاوه؛ Source: Authors, 2021

بعد از یک بازدید میدانی، محله "امیرآباد" برای بررسی انتخاب شد، زیرا این محله، علاوه بر اینکه هسته اولیه و قدیمی شهر بود، در درون خود تعداد زیادی از خانه‌های پلکانی را داشت که تا کنون ساختار روستایی خود را حفظ نموده‌اند، به گونه‌ای که می‌توان سیر تحول این خانه‌ها را از گذشته تا به امروز مشاهده نمود. در تصویر ۴، محله "امیرآباد" در جغرافیای شهر پاوه نشان داده شده است.



تصویر ۴: محله امیرآباد در جغرافیای شهر پاوه؛ Source: Authors, 2021

مطالعات و بررسی‌ها

این بخش با مروری بر کالبد خانه‌های پلکانی پاوه به دنبال شناخت بستر پژوهش است. بدین منظور این خانه‌ها در دو بخش مجزا یعنی "تکنولوژی ساخت" و "فضای داخلی" بررسی شدند.

تکنولوژی ساخت:

سنگ به عنوان اصلی‌ترین مصالح بوم آورد منطقه، نقش اول را در احداث خانه‌های پلکانی پاوه دارد. نمای این خانه‌ها معمولاً ساده بوده که با رعایت سنگ چینی منظم، بندهای بین سنگ‌ها دارای نمایی زیبا هستند. برای تامین مقاومت نسبی برشی در لابلای دیوارهای سنگی، چوب بکار رفته است. البته استفاده از چوب، در ساخت درها، پنجره‌ها و نعل درگاه‌ها نیز دیده می‌شود. برای ساخت بام از دومین مصالح بوم آورد منطقه، یعنی چوب استفاده شده است که ایزولاسیون آن با استفاده از ملات کاهگل صورت گرفته است. در مقایسه با گذشته، امروزه استفاده از چوب کمتر شده و به جای آن گاه از تیر آهن و سقف‌های ترچه بلوک استفاده می‌شود. در تصویر ۵: تکنولوژی ساخت در خانه‌های پلکانی پاوه ارائه شده است.



استفاده از سنگ چینی منظم در نما



استفاده از سنگ به عنوان مصالح بوم آورد



استفاده از ملات کاهگل برای ایزولاسیون بام



استفاده از کاهگل به عنوان ملات بین سنگ

استفاده از چوب برای تأمین مقاومت برشی

استفاده از چوب، در ساخت "در ورودی"

تصویر ۵: تکنولوژی ساخت در خانه‌های پلکانی پاوه؛ 2021، Authors

فضای داخلی:

خانه‌های پلکانی پاوه معمولاً به صورت دو طبقه می‌باشند که در گذشته معمولاً از طبقه زیرین خانه برای نگهداری دام و انبار استفاده شده است. "فضاهای نشیمن"، "اتاق مهمان"، "انبار" و "تویله" معمولاً اصلی‌ترین فضاها در این خانه‌ها هستند که در میان آنها "اتاق نشیمن" غالباً چند عملکردی بوده و اصلی‌ترین فضای بنا را تشکیل می‌دهد، این چند عملکردی بودن در خانه‌هایی که فضای مستقلی برای پذیرایی از مهمان نداشتند بیشتر مشهود می‌باشد به نحوی که از همان اتاق نشیمن برای پذیرایی از مهمان استفاده شده است. در گذشته این خانه‌ها فاقد محلی به صورت مستقل برای پخت‌وپز بوده‌اند و معمولاً پخت‌وپز در داخل فضای زیستی صورت می‌گرفته است، یعنی در گوشه‌ای از اتاق با استفاده از ۲ تکه سنگ و ملات گل، مکانی برای پخت‌وپز ساخته و سه پایه‌ای آهنی بر روی آن قرار می‌گرفته است. البته در بعضی از موارد در داخل حیاط، مکانی مسقف ساخته شده که از آن برای پخت نان استفاده می‌شده است. انبار آذوغه نیز معمولاً در مجاور با بدنه کوه جای می‌گرفته و اتاق‌ها که فضای اصلی خانه به شمار می‌آمدند در ضلع جنوبی و رو به آفتاب قرار می‌گرفتند.

یافته‌های تحقیق

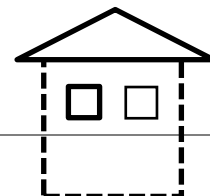
در این مرحله، مسیر مطالعات میدانی، یعنی روند تحلیل یافته‌ها ارائه شده است.

پرسشنامه

به منظور بررسی مدل نظری، ابتدا گویه‌های پرسشنامه به وسیله ۳۰ گزاره طراحی و با استفاده از مقیاس لیکرت پنج-تایی داده‌ها جمع‌آوری شدند. از مجموع ۳۰ گویه، ۱۰ گویه برای عوامل "شیوه‌زندگی و خانه" و ۲۰ گویه برای سنجش "مدرنیته و تحول خانه" استفاده شد. همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در گویه‌ها، هم‌نشینی "شیوه‌زندگی و خانه" و "مدرنیته و تحول خانه" برای دستیابی به نتیجه بهتر لحاظ شده است.

جدول ۳: محتوای گویه‌های پرسشنامه؛ ماخذ: نگارندگان

متغیر وابسته	سوالات
شیوه‌زندگی و خانه	مسکن و سازمان تقسیمات فضایی آن چگونگی تاثیرگذاری شیوه‌زندگی بر روزمره زندگی فردی (تداوم هویت خانه و برگشت به خانه برای بازیابی گفتن ترک فضا از استفاده بر چگونگی تاثیرگذاری آن و فرهنگ اجرای از بخشی عنوان شیوه‌زندگی به همسایه‌ها و محدود با وجود فضایی برای فعالیت‌های دیداری یا رفت و آمدهای ساده و روزمره (ارتباط مناسب نشدن دید و بازدیدها)



متغیر وابسته	ابعاد	سوالات	
مدیریت و تحول خانه	امروزی شدن	و تاریخ گذشته از خانه بریدن جدید کارکردهای متناسب با خانه از تازه‌ای الگوی	
	دید زندگی	شدن عرفی	به «خانواده هسته‌ای» نسبت به خانواده «خانواده گسترده» تمایل متافیزیکی نشانه‌های نمادها و از خالی شدن خانه خانه حریم سازی یعنی خانه کارکردهای دادن تقلیل
		رسانه‌ای شدن	خود خاص سلیقه و سبک به انتخاب خانه‌ها قادر زمینه درون در تنها مردم شرایط شهری ملاحظه قوانین با باید خانه ساختار بیرون و شکل گیری نمای
		بوروکراتیک شدن	شهر از کوچکی جزء منزله به خانه آن صاحبان نه خانه و است هویت کننده تعیین شهر
		شهری شدن	گوناگون مکان‌های و شهر در زندگی اوقات از عمده‌ای سپری شدن بخش کمتر شده بسیار منزل درون مختص به اوقات ابتنرتنی ساخته شبکه‌های مجازی و افزایش اهمیت فضای مکان کاهش اهمیت خصوصی خانه و وطن اجدادی، و آباء سرزمین خانه پدری، خانه، تغییر مفهوم خانه افراد هر یک از به خصوصی فضای تخصیص یافتن منزل آرایش و دکوراسیون سبک‌های تنوع یافتن
	دید اجتماعی	جهانی شدن	خانه درون روابط همچنین نوع و خانه متعلقات و تزئینات دکوراسیون، نحوه تغییر جنسیت و تاثیرش در بیرونی، تخصیص یافتن و اندرونی برداشته شدن اتاق‌ها، رویت بودن قابل آشپزخانه، دیوارهای برداشته شدن بیرون فضاهای گشودگی به و افزایش پنجره‌ها نسبت، یک به پسران و دختران به شخصی اتاق
		فردی شدن	شدن تجاری
		دمکراتیک شدن	مادی ارزش معیار سود و اساس فعالیت بنگاه‌های بسازوبفروش بر مالی بنا با توجه به ویژه تزئینات و معماری فرم انتخاب مشارکت در
	دید اقتصادی	شدن تجاری	کمی ارزش‌های غلبه
		دمکراتیک شدن	مادی ارزش معیار سود و اساس فعالیت بنگاه‌های بسازوبفروش بر مالی بنا با توجه به ویژه تزئینات و معماری فرم انتخاب مشارکت در

در این پژوهش جامعه آماری ۱۹۶۰ نفر بوده که حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران^۱ با سطح خطای (d) ۰/۰۵، ۳۲۱ نفر می‌باشد. در این راستا برای اینکه بتوان نتایج حاصل از پرسشنامه را به کل جامعه آماری تعمیم داد، نمونه‌ها به صورت "تصادفی ساده" انتخاب شدند. افراد مورد پرسش به چهار گروه سنی "نوجوان"، "جوان"، "میانسال" و "کهنسال" تقسیم شدند که وضعیت کاری آنها در دسته‌های مشاغل "دولتی"، "آزاد"، "محصل"، "خانه‌دار" و "بیکار" تعریف گردید. به منظور تعیین روایی مقیاس حاضر، در نرم افزار "اسمارت پی ال اس" از روش "تحلیل عاملی تاییدی" بهره گرفته شد و نتایج حاصل از تحلیل عاملی تاییدی نشان داد که گویه‌ها می‌توانند زیرمجموعه سازه‌های خود قرار گیرند.

با توجه به "بارهای عاملی و ضرایب مسیر استاندارد شده مدل تحقیق" و همچنین "مقادیر بارهای عاملی گویه‌های هر وجه"، روشن شد که تمامی ضرایب بار عاملی دارای مقادیر بیشتر از ۰/۵ بوده و این نشانگر آن است که پایایی مدل

پیشنهادی قابل قبول است. همچنین از آنجائی که تمامی مقادیر آلفای کرونباخ^۱ و پایایی ترکیبی (جدول ۴) بزرگتر از ۰/۷ می‌باشند مشخص شد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است.

جدول ۴: محتوای گویه‌های پرسشنامه؛ ماخذ: نگارندگان

نام متغیر	ضریب آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
شیوه‌زندگی و خانه	۰/۷۱۵	۰/۷۰۹
امروزی شدن	۰/۸۵۴	۰/۸۴۶
شدن عرفی	۰/۷۹۵	۰/۷۸۳
رسانه‌ای شدن	۰/۸۹۲	۰/۸۹۶
بوروکراتیک شدن	۰/۷۰۸	۰/۷۱۶
شهری شدن	۰/۸۳۷	۰/۸۹۷
جهانی شدن	۰/۷۸۷	۰/۷۹۱
فردی شدن	۰/۸۴۲	۰/۸۵۶
دمکراتیک شدن	۰/۸۴۵	۰/۸۶۹
شدن تجاری	۰/۷۲۱	۰/۷۲۳

با توجه به اینکه مقدار آزمون t بین متغیرهای "شیوه‌زندگی و خانه" و "مدرنیته و تحول خانه" بیشتر از ۱/۹۶ است (جدول ۵)، می‌توان گفت که بین "شیوه‌زندگی"، "خانه" و "جوه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مدرنیته" رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵: میزان ضریب مسیر و ضرایب معناداری "شیوه‌زندگی - خانه" و






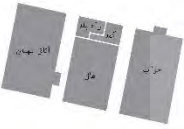

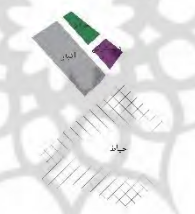
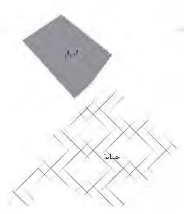
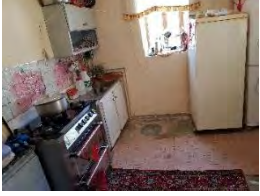


"مدرنیته - تحول خانه"؛ ماخذ: نگارندگان

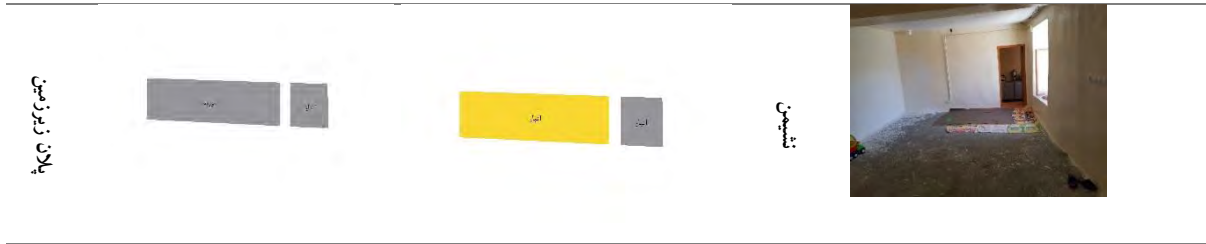
مدرنیته و تحول خانه	شیوه‌زندگی و خانه	t ضریب
۳/۶۸	۲/۱۶	
۰/۶۸۴	۰/۲۴۲	استاندارد مسیر ضریب

از مهمترین نتایج حاصل از مبانی نظری، شیوه‌زندگی مدرنیته است که برای آن، جوهی از قبیل "امروزی شدن"، "عرفی شدن"، "رسانه‌ای شدن"، "بوروکراتیک شدن"، "شهری شدن"، "جهانی شدن"، "فردی شدن"، "دمکراتیک شدن" و "تجاری شدن" در نظر گرفته شد. در نهایت از نتایج نظرسنجی به دست آمده از ۳۲۱ پرسشنامه مشخص شد که اهمیت زیادی بین ابعاد "شیوه‌زندگی" و "مدرنیته" در مقایسه با جوه "خانه" وجود دارد.

رولوه

بررسی نمونه‌های رولوه شده، نشان از آن دارد که شیوه زندگی ساکنان و به تبع آن معماری خانه‌های آنها دچار تغییر شده است. در تصاویر ۶ و ۷ به ترتیب تحلیلی از الگوها (به سه شکل یک طرفه (I شکل)، دو طرفه (L شکل) و سه طرفه (U شکل) تقسیم شده‌اند) و تحولات معماری این خانه‌ها ارائه شده است.

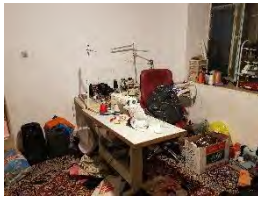
وضع موجود	بعد از تغییر	قبل از تغییر
<p>الگوی یک طرفه (D شکل)</p> 	<p>آشپزخانه</p> 	<p>پلان طبقه همکف</p> 
<p>الگوی دو طرفه (L شکل)</p> 	<p>نشیمن</p> 	<p>پلان طبقه اول</p> 
<p>الگوی دو طرفه (L شکل)</p> 	<p>آشپزخانه</p> 	<p>پلان طبقه همکف</p> 
<p>الگوی سه طرفه (U شکل)</p> 	<p>آشپزخانه</p> 	<p>پلان طبقه همکف</p> 



پلان زیرزمین

تشمین

تصویر ۶: تحلیل الگوها (یک طرفه، دو طرفه و سه طرفه) در خانه‌های پلکانی پاه: ماخذ: نگارندگان



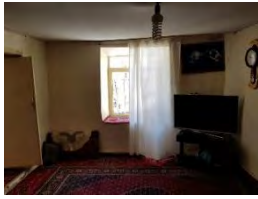
اختصاص فضایی به اتاق کار



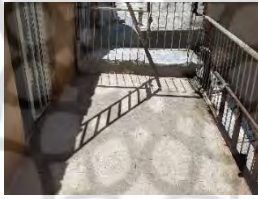
توسعه فضا از طریق ستون



ایجاد حمام و سرویس در حیاط



تبدیل "مهمان‌خانه" به تشمین



ایجاد تراس



تبدیل تویله به انبار



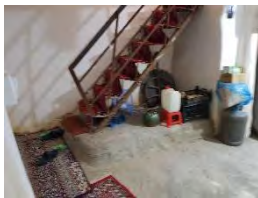
تبدیل تویله به انبار



ایجاد آفتاب‌خانه در گوشه‌ای از حال



ایجاد کمد در اتاق خواب



استفاده از پله فلزی



استفاده از مهمان مدرن



ایجاد آفتاب‌خانه اولین

تصویر ۷: تحولات معماری در خانه‌های پلکانی پاه: ماخذ: نگارندگان

در گام اول تحلیل پرسشنامه حاکی از آن است که رابطه معناداری بین "شیوه زندگی" و "خانه" وجود دارد و بار عاملی آن تایید می‌کند که "تغییر در سلیقه و گرایش به نوظهوری تهجیزات و مبلمان خانه"^۱، بیشترین اهمیت را دارد و "وجود فضاهایی برای فعالیت‌های دیداری یا رفت و آمدهای روزمره"^۲ از کمترین اهمیت برخوردار است. از طرفی برخلاف انتظار، تحلیل "مدرنیته و تحول خانه" نشان داد که "بوروکراتیک شدن" و "تجاری شدن" برای ساکنان اهمیت کمتری دارند و نکته مهم "رسانه‌ای شدن" زندگی امروز است که با تاثیر در بعد "امروزی شدن"، تغییراتی در "تمایل به نوگرایی خانه با بریدن از گذشته"، "الگوی تازه‌ای از خانه متناسب با کارکردهای جدید" و "تمایل به خانواده هسته‌ای نسبت به خانواده گسترده" ایجاد نموده است. از طرفی در بعد "فردی شدن"، با توجه به اهمیت یافتن زیر مجموعه‌های آن، خانه باید پاسخ‌گوی "تخصیص یافتن فضای خصوصی به هریک از افراد خانه" و همچنین "تنوع یافتن سبک‌های دکوراسیون و آرایش منزل" باشد.

در گام بعدی نتایج حاصل از رولوه نشان می‌دهد که "تحولات فرهنگی"، باعث تغییراتی از قبیل؛ تقلیل اهمیت حریم خصوصی؛ برداشته شدن بعضی از دیوارها به جهت توسعه فضا؛ استفاده دائمی از اتاق "مهمان خانه" به عنوان اتاق نشیمن و ایجاد حمام و توالت در گوشه‌ای از حیاط شده است. "تحولات اجتماعی"، باعث انتقال محل تفریح و جشن‌ها به بیرون از خانه؛ کاهش پنهان‌سازی خانه با استفاده از آشپزخانه اوپن، اختصاص دادن فضایی به فرزندان و والدین و همچنین ایجاد ترانس شده است. در نهایت "تحولات اقتصادی"، باعث انتقال محل نگهداری دام به بیرون از خانه و شهر؛ اضافه شدن هزینه‌ها به علت ورود تکنولوژی‌های جدید از جمله اجاق گاز، یخچال، لباس-شوئی و در بعضی موارد اضافه شدن یک طبقه کامل به صورت اضافه اشکوب شده است.

منابع

1. Abdemojiri, Amin (2015), "Updatig architectural patterns of house based on cultural changes", Iran university of science and technology shool of architecture & environmetal design.
2. Afshary, Mohsen; Purdihimi, Shahram (2016), "Lifestyle Scales in Housing", Housing and Rural Environment, No. 154, pages: 3-16.
3. Aghalatif, Azadeh (2012), "People and Home(Recognition of interaction between People and home in contemporary era of Iran)", PhD Thesis, University of Tehran.
4. Bandkiter, Roland (2013), "Lifestyles", Translated by Mohammad Reza Hassanzadeh, Quarterly Journal of Lifestyle Studies, Second Year, Nos. 5 and 6, Pages: 201-212.
5. Baudrillard, Jan (2010), "Consumer society: myths and structures" , translated by Pirooz Izadi, Tehran: Saless Publications.
6. Biddulph, Mike (2013), "Introduction to Residential Design", Translated by Mohammad Bagheri & Maliheh Hashemi, Tehran, Azarakhsh Publications.
7. Bourdieu, Pierre (2012), "Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste", Translated by Hassan Chavoshian, Second Edition, Tehran: Saless Publications.
8. Fazeli, Nematollah (2007), "Modernity and Housing (An ethnographic approach to the concept of home, rural lifestyle and its current developments)", Journal of Iranian Cultural Research, First Year, No. 1, pages: 25-63.

9. Gibbins, John R. ; Reimer, Bo (2002), "The politics of postmodernity: an introduction to contemporary politics and culture", translated by Mansour Ansari, Tehran, Gam No Publications.
10. Giddens, Anthony (1995), "Modernity and Self Identity: Self and Society in the Late Modern Age", Stanford, California: Stanford University Press.
11. Khoshhal Dastjerdi, Javad, Ahmadi, Abdolmajid, Heidari, Taghi (2013), "Natural geography of Paveh city, geomorphology and its role in shaping the physical development of this city of opportunities and challenges", Growth of geography education, Volume 27 , No. 3, pp. 26-33.
12. Kwon, Hyun-Ah; Kim, Soomi (2019), "Characteristics of Residential Space in Response to Changed Lifestyles: Focusing on the Characteristics of Residents and the Relationship between Individual and Family", sustainability, 11(7): 2006, Approx 22 p.
13. Lefebvre, Henri (2002), "Everyday Life in the Modern World", London, New York: Continuum.
14. Madahi, Seyyed Mahdi(2015), "Reading and understanding of connection between life style and physical of house in vernacular architecture", Iran university of science and technology school of architecture & environmental design.
15. Maleki, Amjad, Azizi, Bayan (2014), "Investigating natural constraints on the physical development of Paveh city with emphasis on geomorphologic effects", Quarterly Journal of Environmental Based Territorial Planning, No. 27, pp. 37-54.
16. Mckee, James B. (1969), "Introduction to Sociology", Holt Rinehart and Winston Inc.
17. Nurberg-Schultz, Christian (2002), "The Concept of Residence, Towards Allegorical Architecture", Translated by Mahmoud Amirrahmadi, Tehran, Agha Publications.
18. Olfat, Saeideh; Salemi, Azadeh (2012), "The Concept of Lifestyle", Quarterly Journal of Lifestyle Studies, First Year, No. 1, Pages: 9-36.
19. Parnell, John a.; Spillan, John E.; Singh, Nitish (2006), "Strategy Through the Eyes of the Consumer: An Exploratory Study Across Emerging Economies", PANORAMA SOCIOECONÓMICO AÑO 24, N° 33, p. 50-64.
20. Rapoport Amos (1980), "Cross Cultural Aspect of Environmental Design", New York.
21. Rapoport, Amos (1969), "House Form and Culture", United State Of America, University Of Wisconsin- Milwaukee.
22. Schulz, Christian Norberg(2005), "The concept of dwelling: on the way to figurative architecture", Translated by Mahmoud Amirrahmadi, second edition, Tehran, Agha Publications.
23. Wentling, James W(2015), "Housing by lifestyle: the component method of residential design", Translated by Habib Ghasemi, Second Edition, Mashhad: Kasra Library.
24. Yazdanfar, Seyyed Abbas, Naserdoost, Zohreh(2019), "Lifestyle and Housing Pattern's Changes and their Interactions over Time Zand era to Today(Case Study: Maragheh)", Scientific journal of iranian architecture & urbanism", Volume 10, Number 17, Pages: 37-60.
25. Yazdanfar, Seyyed Abbas; Zarrabi Al-Husseini, Mahsa; Naserdoost, Zohreh (2016), "Housing pattern in Orumieh according to the way of life over time (from Qajar period to contemporary period)", Tehran, Tehran University Press.
26. Zarhani, Seyed Ahmad (1393), "Lifestyle", Payvand Magazine, No.425, pages: 8-12.
27. Zhinab Gharb Consulting Engineers (2010), "Development and Development Plan (Comprehensive) of Paveh city", Volume 1 (Recognition of the current situation), Housing and Urban Development Organization of Kermanshah Province.